۱۹۹

شماره ۱۹۹ خرداد ـ تیر ۱۴۰۱
www.pccsd.org
ISSN: 1557 623X

Persian Cultural Center
کانون فرهنگی ایرانیان

پیک

نشریه کانون فرهنگی ایرانیان

- عید خوش گذشت؟ • زیر نور مهتاب: **اتفاق یا تقدیر** • معرفی و نقد کتاب: **آختامار**
- هابیل و قابیل: **آیا همه آرا مساوی اند؟** • بخوان بنام گل سرخ: **مرا نام تو کفایت می کند**
- **همایش سالانه بنیاد زنان ایرانی ـ آمریکائی** • بررسی فیلم **قصیدهٔ گاو سفید**

Federal Capital Funding Group
www.FedCapFund.com

Apply Securely Online @
www.FedCapFund.com

BORNA J. EFTEKARI

Senior Mortgage Advisor

برنا افتخاری

مشاور متخصص در امور وام های مسکونی و تجاری در سراسر کالیفرنیا

LOANS

- **Residential Loans**
- **Commercial Loans**
- **Conventional Loans**
- **Construction Loans**
- **FHA, VA and USDA Loans**
- **NO Tax Returns and NO Income Loans**

خدمات ما شامل

۱– وام های مسکونی و تجاری
۲– وام های FHA و VA (تا ۹۶/۵ درصد فقط با ۳/۵ درصد پیش قسط)
۳– تجدید وام با نرخ بهتر
۴– وام های بزرگ تا ۱۰ میلیون دلار
۵– وام های بازسازی و نوسازی مسکونی و تجاری
۶– وام های بدون ارایه اوراق مالیاتی و درآمد

TEL **858-225-8586**
E-FAX: 858-225-1818
CA NMLS # 1853714

Federal Capital Funding Group
425 W. 5th Ave, STE 205
Escondido, CA 92025

CREDIT SCORE
AS LOW AS 580
وام مسکونی ۳۰ ساله ثابت
با کمترین نرخ بهره

All loans offered by Borna Joseph Eftekari DBA: Federal Capital Funding Group, CA NMLS # 1853714 and are subject to credit approval and certain restrictions may apply. Please contact us for details.

FARMERS® INSURANCE

COVERED CALIFORNIA™

Borna Eftekari Agency, CA Lic# 0F38487
ESTALISHED SINCE 2002

بیمه اتومبیل
بیمه منازل مسکونی و اماکن تجاری
بیمه محل کار و رفاه کارگران
بیمه از کار افتادگی
بیمه عمر
بیمه سلامتی

We offer all types of insurance:

- **Auto**
- **Home**
- **Business Insurance**
- **Workers Compensation**
- **Life Insurance**
- **Health Insurance**

INSURANCE

Call us for Free Consultation
Tel: **858-225-8586**
Fax: 858-225-1818
www.farmersagent.com/beftekari
Farmers Insurance
425 W. 5th Ave, STE 202
Escondido, CA 92025

Farmers Insurance is not affiliated with Federal Capital Funding Group. Farmers Insurance does not offer any lending services.

BLUXEN
REAL ESTATE
PEGGY & FARID
REALTOR, RESIDENTIAL & COMMERCIAL
فرید و پگی خیامیان
مشاورین متخصص در امور خرید و فروش املاک مسکونی
تجاری و زمین
IN HOUSE CONTRACTORS & LOAN OFFICERS
ملک آینده خود را از فراز آسمان زیبای سن‌دیگو
با تور هوایی رایگان ما بهتر انتخاب کنید
Anna Farsoudi
نسیم خیامیان
Nasim Khayamian
سمیرا رسولی
Samira K Rasouli
بهار باقرپور
Bahar Bagherpour
Mariann Jamo
نوید نامدار
Navid Namdar
BLUXEN.COM
BLUXENFARSI.COM
LICENSE# 01925715
San Diego Office (858) 535-0000
North County San Diego (760) 877-8000
Fax (858) 457-3333
info@bluxen.com

با مدیریت ایرانی
خداداد شریف • متیو فاست

Matthew J. Faust, Esq., Khodadad "Ko" Sharif, Esq.,

WE HANDLE:

CIVIL BUSINESS,
CRIMINAL DEFENSE,
FAMILY PROCEEDINGS,
APPEALS IN FEDERAL
& STATE COURT

Sharif Faust
Lawyers. Ltd.

600 B St. Suite 2490, San Diego, CA 92101
www.shariffaust.com / 619-233-6600 / info@shariffaust.com

Persian Cultural Center
کانون فرهنگی ایرانیان

Persian Cultural Center
Annual Meeting and Election
Sunday May 15, 2022

فراخوان
نشست سالانه و انتخابات کانون فرهنگی ایرانیان

از تمامی اعضای محترم کانون فرهنگی ایرانیان دعوت می شود تا در نشست سالانه و انتخابات کانون در روز یکشنبه ۱۵ ماه می ۲۰۲۲ از ساعت ۱۰ بامداد تا ۱۲ نیمروز در محل مدرسه ایرانیان حضور به هم رسانند. انتخابات برای جایگزینی چند تن از اعضای هیئت مدیره، که دوره خدمتشان سپری شده، برگزار خواهد شد.

به ما بپیوندید: اگر مایل به خدمت در هیئت مدیره کانون هستید، لطفا مشخصات خود را هرچه زودتر به آدرس کانون یا از طریق ایمیل pcc@pccsd.org به‌ارسال فرمایید.

داوطلبان می‌باید عضو کانون بوده و از اقامت قانونی در آمریکا برخوردار باشند. اعضای هیئت مدیره برای مدت سه سال انتخاب می‌شوند.
دوستانی که مایلند عضو کانون شوند و عضویت آنها سپری شده است می‌توانند از طریق وبسایت کانون عضویت خود را تجدید نمایند.
www.pccsd.org

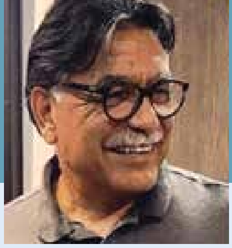

یادداشت سردبیر
علی صدر

عید خوش گذشت؟

بعد از دو سال وقفه، جشن‌های نوروزی در اغلب مناطق و شهرهای ایرانی‌نشین همانند گذشته برگزار شدند. در سن دیگو هم به همین ترتیب جشن نوروز مدرسه ایرانیان، جشن کانون، روز ایران در بلبوا پارک، سیزده‌بدر و چندین جشن دیگر در شهر برگزار شد. به هر جا می‌رفتی جشن بود و پایکوبی. انگار همه قِرهای این دو سال جمع شده و به دنبال مَفَرّی بود که بیرون بریزند! که ازاین نظر فکر می‌کنم موفقیت‌هایی به دست آمد. ولی آیا عید خوش گذشت؟ البته اگر نگرانی از پندمی، بحران محیط زیست، گرانی و اختلاف طبقاتی روز افزون، آغاز جنگ جهانی سوم و بمب‌های اتمی و نابودی بشریت نبود، شاید خوشتر هم می‌گذشت!

دو سال پیش اوایل ماه مارچ بود که ضربه پندمی وارد شد؛ ضربه‌ای هرچند قابل پیش بینی ولی غیر مترقبه. به سرعت جهان زیر پوشش تاریک و کشنده آن قرار گرفت. روند زندگی عادی به هم خورد ولی مردم به تدریج خود را با شرایط موجود وفق دادند. البته همه می‌دانستیم که اگر جان سالم به در ببریم، این نیز خواهد گذشت و روزی به پایان خواهد رسید. هرچند مدیریت وحشتناک دولت ترامپ باعث شد صدها هزار نفر در این کشور بی‌جهت کشته شوند. ولی سرانجام آن زمان به سرآمد و با واکسن و مراقبت‌های اصولی، پندمی تا حدود زیادی تحت کنترل درآمد. این‌ها همه در حالی بود که روند قهقرایی گرمایش زمین و بحران محیط زیست به همان شدت سابق، آینده بشریت را در هاله‌ای از تاریکی و تباهی _ هرچند قابل پیشگیری _ به زیر سوال برده بود. قابل پیشگیری از این جهت که اگر کشورهای صنعتی بزرگ و کمپانی‌های کلان آلاینده را مجبور به کاهش گازهای مخرب و حفظ محیط زیست کنند، راه فراری هست. ولی همان طور که در مورد پندمی هم دیدیم، عده‌ای این واقعیت‌های علمی را از بیخ و بن قبول ندارند و با تمام وجود حتی به قیمت از دست دادن جان خود و عزیزانشان بر «اعتقادات» خودشان پافشاری می‌کنند. شوربختانه این‌ها هم در این کشور و هم در بسیاری از کشورهای دیگر وزنه سیاسی مهمی را تشکیل می‌دهند و احتمال به قدرت رسیدن آن‌ها واقعی است – همان طور که دیدیم. این‌ها نه برای رای مردم ارزشی قائلند و نه برای علم و دانش ـ همان طور که می‌بینیم! به قدرت رسیدن دوباره آن‌ها فاجعه‌ای وحشتناک‌تر از بار اول خواهد بود. آن‌ها تمام رشته‌های نیمه بافته را دوباره پنبه خواهند کرد.

معضل دیگر، گرانی و فقر خفقان‌آور و عالم‌گیر است. در همین دو سال پندمی، بزرگترین شرکت‌های آمریکایی از این شرایط استفاده کرده و صدها میلیارد دلار به جیب زدند بدون این که مالیاتی بپردازند. در حالی که میلیون‌ها نفر به خاک سیاه نشستند. تا وقتی که قوانین جنگل حکمفرماست و «نشاندگان» کمپانی‌های بزرگ و لابی‌های آن‌ها درمقام قانون گذاری هستند، متاسفانه انتظار تغییر نمی‌رود.

تمام این مشکلات و معضلات به جای خود کم نبود که ناگهان آقای پوتین هم تصمیم گرفت به همسایه خود اوکراین درسی بدهد و او را از پیوستن به ناتو باز دارد؛ به اوکراین حمله کرد و بخش‌هایی از آن را به اشغال درآورد. به قول معروف «گل بود به سبزه نیز آراسته شد». ماه‌ها بود که نیروهای روس اوکراین را محاصره کرده بودند ولی کسی با عقل سلیم فکر نمی‌کرد که پوتین چنین حماقتی بکند. واقعا نمی‌دانم پوتین چه انتظاری از این حمله داشت؛ آیا می‌خواهد اوکراین را اشغال کند و از اسرائیل در اشغال فلسطین یا از آمریکا در اشغال افغانستان و عراق تقلید کند؟ یا می‌خواهد اوکراین و غرب را بترساند و آن‌ها را مجبور به عقب نشینی کند؟ هرچه بوده این قضیه از همه نظر به ضرر پوتین و روسیه تمام شده است. سوای این که هزاران مردم بی‌گناه جانشان را از دست داده‌اند، زندگی‌ها نابود شده و میلیون‌ها نفر آواره شده‌اند، افکار عمومی و غرب در مقابل پوتین و روسیه یک پارچه و متحد شده‌اند. اوکراین، کشوری که تا قبل از این واقعه دومین کشور از لحاظ فساد مالی و قدرت الیگارشی بعد از روسیه بود (طبق برآورد اتحادیه اروپا در ۲۰۲۰) ناگهان محبوب همه شد و سیل کمک‌های نظامی به سوی اوکراین سرازیر شد. این‌ها همه به اضافه محاصره و قطع روابط اقتصادی روسیه از طرف غرب، که دودش بیشتر به چشم مردم عادی روسیه می‌رود، همه به ضرر پوتین تمام شده. ناتو که بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پیمان ورشو، ماهیت وجودی‌اش زیر سوال رفته بود، اکنون در قدرتمندترین موقعیت قرار گرفته. البته این‌ها هیچ کدام به خودی خود باعث سرنگونی پوتین نخواهد شد یا اقلا غرب و ناتو این را نمی‌خواهند. آن‌ها به دشمنی مثل پوتین احتیاج دارند که جنگ سرد و مسابقه تسلیحاتی را دوباره از سر بگیرند. از هم اکنون بودجه‌های نظامی افزایش یافته. البته این‌ها در حالتی است که جنگ به نحوی تمام شود و پوتین در بنبست قرار نگیرد که به حماقتی بزرگتر مثل استفاده از بمب اتمی دست بزند؛ در آن صورت دیگر فاتحه همه چیز خوانده شده و نگرانی‌ها و معضلات دیگر خود به خود برطرف خواهند شد! حالا اگر باز هم بپرسید عید خوش گذشت یا نه؟ باید بگویم سوای این‌ها که گفتم البته که خوش گذشت! امیدوارم به شما هم خوش گذشته باشد.

پیک ۱۹۹
کانون فرهنگی ایرانیان
PERSIAN CULTURAL CENTER

نشریه کانون فرهنگی ایرانیان
هر دو ماه یک بار منتشر می‌شود
تلفن: ۹۳۵۵-۵۵۲ (۸۵۸)
فکس: ۷۳۳۵-۳۷۴ (۶۱۹)
Top Gun St. #7 • San Diego, CA 92121 6790
www.pccsd.org
www.PeykMagazine.com
شماره ۱۹۹ خرداد ـ تیر ۱۴۰۱

کانون فرهنگی ایرانیان
یک سازمان غیر انتفاعی، غیرسیاسی و غیر مذهبی است که در سال ۱۹۸۹ در سن دیگو ـ کالیفرنیا تاسیس شده است.

اعضای هیات مدیره
نیکو عاطفی، حمید رفیع زاده، فرشاد باباخانی، پرنیان بدیعی، حمید بیک زاده، فریده فاضل، سارا تقوی، فریبا باباخانی-قاضی، سهیل بیگدلی، علی صدر، ونوس صفایی، شهلا صلاح و محمود رضا پیروزیان

شورای نویسندگان
رضا خبازیان، شهری استخری، شهرزاد جولازاده، شقایق هنسن، آریا فانی، راشل تیت و علی صاحب‌الزمانی

همکاران نویسنده:
تانیا احمدی، محمد اهرار، هوشیار افسر، دانیال گلفروش، ساناز مجد، مرسده بصیریان حریری و سپیده شاملوفرد

سردبیر: علی صدر

طراحی و گرافیک: سعید جلالی

مدرسه ایرانیان سن دیگو ـ تاسیس ۱۹۸۸
وابسته به کانون فرهنگی ایرانیان
روزهای یکشنبه از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۲ ظهر
فکس: ۷۳۳۵ ـ ۳۷۴ (۶۱۹)
issd@pccsd.org
issd.pccsd.org

بنیاد ایرانیان ـ سازمان خیریه
وابسته به کانون فرهنگی ایرانیان
تلفن: ۹۳۵۵ـ۵۵۲ (۸۵۸)
فکس: ۷۳۳۵ ـ ۳۷۴ (۶۱۹)

کلیه حقوق و مزایای این مجله برای کانون فرهنگی ایرانیان سن دیگو محفوظ است.
چاپ و پخش دوباره مطالب مندرج در این مجله بدون اجازه کتبی کانون ممنوع است.
توجه:
مسئولیت مطالبی که با امضای نویسنده درج شده است با خود نویسنده است.
شورای نویسندگان در چاپ و یا عدم چاپ مطالب رسیده اختیار تام دارد.

طرح روی جلد: سعید جلالی

اخبار کانون فرهنگی ایرانیان سن دیگو

جلسه های هیئت مدیره کانون فرهنگی ایرانیان سن دیگو – مارس و آوریل ۲۰۲۲

جلسه های هیئت مدیره کانون در روزهای نهم مارس و سیزدهم آوریل برای بررسی و برنامه ریزی فعالیت های کانون برگزار شد.

جشن نوروزی مدرسه ایرانیان سن دیگو – ۱۳ مارس ۲۰۲۲

بعد از دو سال وقفه، امسال هم جشن نوروزی مدرسه ایرانیان با حضور دانش آموزان و والدین در تاریخ سیزدهم مارس درسالن اجتماعات مدرسه دل نورته برگزار شد. بیش از ۳۲۰ مهمان در برنامه شرکت داشتند. دانش آموزان برنامه های زیبا و گوناگونی از جمله سرودهای ملی و محلی، رقص های محلی رنگارنگ، همراه با اجرای موسیقی و شعرخوانی تهیه و اجرا کردند. در فواصل برنامه جایزه های دانش آموزان ممتاز و برندگان مسابقه کتاب خوانی داده شد. در پایان عمو نوروز به دانش آموزان عیدی داد. مراسم آمادگی نوروز شامل سبزه کاری و تخم مرغ رنگ کردن در روز یکشنبه ۶ مارس در محل مدرسه ایرانیان برگزار شد.

جشن نوروزی کانون فرهنگی ایرانیان سن دیگو – ۱۹ مارس ۲۰۲۲

بعد از دو سال وقفه جشن نوروزی کانون فرهنگی ایرانیان امسال در هتل مریات لاهویا برگزار شد. در این برنامه دی جی جولیوس با موزیک های شاد ایرانی با همکاری ویولون یارا و ساکسیفون امین میهمان ها را به رقص و پایکوبی مشغول داشت. در ابتدا هنرمندان آکادمی رقص سن دیگو و گروه رقص مدرسه ایرانیان طبق رسم هر ساله در این مراسم هنرنمایی کردند. در این جشن آقای تاد گلوریا شهردار سن دیگو و آقای رائول کمپئو عضو شورای شهر سن دیگو نیز حضور داشتند. آقای شهردار نوروز را به مهمانان و باقی ایرانیان سن دیگو تبریک گفت. سپس آقای رائول کمپئو بیانیه شهرداری سن دیگو مبنی بر اعلام روز ۲۰ مارس به عنوان روز نوروز در سن دیگو را قرائت کرد و لوح مذبور را به کانون تقدیم کرد.

سیزده بدر– ۳ آوریل ۲۰۲۲

جشن سیزده بدر امسال یکشنبه سوم آوریل در پارک ان تی سی سن دیگو برگزار شد. هزاران تن از شهروندان سن دیگو به دعوت کانون فرهنگی ایرانیان، انجمن متخصصین ایرانی سن دیگو و خانه ایران گرد هم آمدند تا با موزیک دی جی جولیوس، دی جی محسن و دوستان به رقص و پایکوبی بپردازند. غرفه های زیادی از سازمان های تجاری و غیر انتفاعی هم در اطراف پارک بر پا بود.

San Diego Accident Law Center

www.SanDiegoAccidentLawCenter.com

Ali Golchin, Esq.

619.827.8777

golchinlaw@gmail.com

Auto Accidents • Bike Accidents
Medical Malpractice • Work Injury
Workers Compensation

امور تصادفات وصدمات بدنی

جراحات ناشی از کار • صدمات پزشکی

Offices in **Scripps Ranch** & **Chula Vista**

جُنگ فرهنگی – ۱۵ آوریل ۲۰۲۲

جنگ فرهنگی ماه آوریل به صورت حضوری و با میزبانی علی صدر در مرکز ایرانیان برگزار شد. مهمان این برنامه استاد علی‌اکبر مرادی نوازنده چیره دست تنبور و راوی مقامات تنبور کردی بودند. موضوع سخنرانی ایشان سیری در موسیقی های ایران بود. در پایان سخنرانی جلسه پرسش و پاسخ برگزار شد.

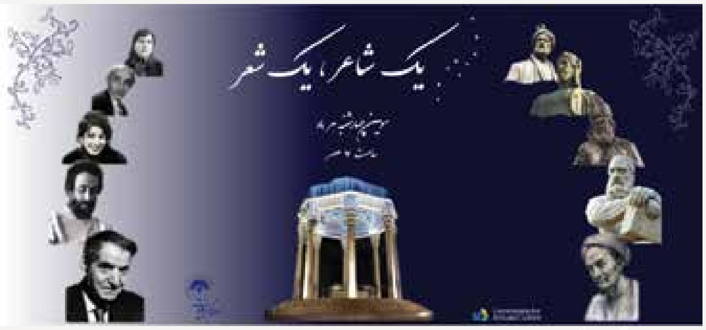

شعر و شب های قرنطینه – ۲۰ آوریل ۲۰۲۲

برنامه شبی با شعر و ادب به صورت مجازی و تحت عنوان شعر و شب های قرنطینه در تاریخ ۲۰ آوریل برگزار گردید. در این برنامه اشعاری از سنایی، پدر شعر عرفانی خوانده شد و همچنین علاقمندان شعرهای انتخابی خود را برای شرکت کنندگان این برنامه خواندند. این برنامه به مدیریت فرشاد باباخانی و گروه شعر و ادب برگزار شد.

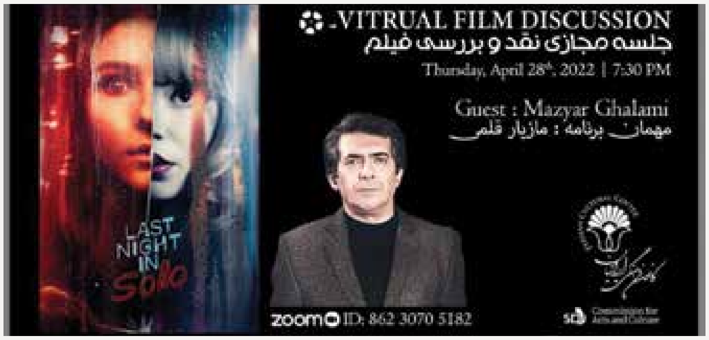

برنامه فیلم و گفتگو – ۲۸ آوریل ۲۰۲۲

فیلم های انتخابی برای بررسی در جلسه مجازی ماه آوریل «آخرین شب در سوهو» محصول ۲۰۲۱ به کارگردانی ادگار رایت به بازیگری تماسین مک کنزی و آنیل تایلر بود. میهمان این برنامه آقای مازیار قلمی بودند که به بررسی و نقد این فیلم پرداختند. مجری این برنامه آقای محمود پیروزیان بود.

در شهر چه خبر

www.pccsd.org

کنسرت راز تنبور– موسیقی کردی ایران گروه علی اکبر مرادی
یکشنبه ۱ می ۲۰۲۲ ساعت ۷ بعد از ظهر
Conrad Prebys Hall, UCSD

نمایش پازل
شنبه ۷ می از ساعت ۷ تا ۹ بعد از ظهر در کتابخانه کارلزبد
Dove Lane, Carlsbad, CA 92011 1775

نشست سالیانه کانون فرهنگی ایرانیان
یکشنبه ۱۵ می– ساعت ۱۰ تا ۱۲ در مدرسه ایرانیان

جنگ فرهنگی
جمعه ۱۷ جون ۲۰۲۲ ساعت ۷ بعد از ظهر

فیلم و گفتگو
پنجشنبه ۲۶ می۲۰۲۲ ساعت ۷:۳۰ بعد از ظهر
پنجشنبه ۲۸ جون ۲۰۲۲ ساعت ۷:۳۰ بعد از ظهر

یک شاعر، یک شعر
چهارشنبه ۱۸ می ۲۰۲۲ ساعت ۷ بعد از ظهر
چهارشنبه ۱۵ جون ۲۰۲۲ ساعت ۷ بعد از ظهر

کنسرت موسیقی ایرانی– امیر حسین پورجوادی و پژمان حدادی
جمعه ۲۷ می ۲۰۲۲ ساعت ۷ بعد از ظهر
Conrad Prebys Hall, UCSD

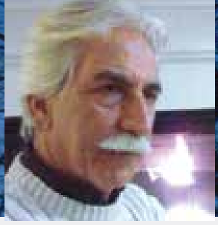

زیر نور مهتاب

از: رضا خبازیان

اتفاق یا تقدیر

چند هفته پیش، قرار ملاقات بسیار مهمی داشتم که باید مسافت زیادی را رانندگی می‌کردم. از دست بر قضا، چشمتان روز بد نبیند، با تمام عجله‌ای که برای رسیدن به موقع داشتم، تقریبا به تمامی چهارراه‌هایی که می‌رسیدم به چراغ‌های راهنمایی قرمز بر می‌خوردم. از این اتفاق از یک سو کفرم در آمده بود و از سوی دیگر، خنده‌ام گرفته بود. در حال رانندگی به این نکته فکر می‌کردم که شاید عده قابل توجهی از ما ایرانیان این اتفاق را به حساب «تقدیر» می‌گذاریم و به خود می‌گوییم «حتما خیریتی در این مسئله هست» و برای راضی کردن خود، شاید پا را از این هم فراتر می‌گذاریم و به خود می‌گوییم «از کجا معلوم، شاید اگر به چراغ سبز برخورد می‌کردیم، چه بسا در چهارراه بعدی دچار تصادفی سهمگین می‌شدیم!» بعید نیست اگر عده‌ای از ما پای خدا را هم به میان معرکه بیاوریم و به خود بگوییم «راضی هستیم به رضای خدا، هر چه او بخواهد حتما به نفع ماست». دلیل اصلی این نگاه به گمان من فرهنگ ماست که در نوع خود بی‌نظیر است. فرهنگی که از جامعه مذهبی و همچنین از زندگی کشاورزی نشات گرفته است که به ما آموخته است که «اگر خدا نخواهد، برگ هم از درخت نمی‌افتد». بدون شک، گروهی از ما ایرانیان هم چنین «بد بیاری» را به حساب «اتفاق» می‌گذاریم . این نکته که در حال رانندگی ذهن مرا به خود مشغول کرده بود مرا بر آن واداشت که مطلب این شماره «زیر نور مهتاب» را به این دو واژه «اتفاق» و «تقدیر» اختصاص دهم.

این دو واژه در زبان فارسی، کلمات خنثی نیستند و دارای بار منفی و مثبت هستند که به طرز بیان این دو واژه و همچنین نوع جمله‌ای که در آن قرار گرفته‌اند، معنای خود را بهتر می‌رسانند. اتفاق را عموما به «شانس» و تقدیر را به «سرنوشت» ربط می‌دهیم که در اکثر موارد «شانس» دارای بار مثبت است و عدم وجودش را با «بدشانسی» بیان می‌کنیم که دارای بار منفی است. تقدیر یا سرنوشت هم با دو بار متضاد مثبت و منفی در مکالمات روزانه به کار گرفته می‌شوند ولی در زبان انگلیسی، در مقابل کلمه «اتفاق»، واژه «Chance» وجود دارد که کلمه‌ای است خنثی که نه بار مثبت دارد و نه بار منفی بلکه بر اساس قانون احتمالات گاه نتیجه‌ای مورد پسند ما به وجود می‌آورد که ما آن را با به کار بردن واژه «خوش‌شانسی» تعریف می‌کنیم و گاه نتیجه‌ای بر خلاف میل ما به بار می‌آورد که از آن با واژه «بدشانسی» یاد می‌کنیم. در مقابل واژه «تقدیر» هم کلمه «Destiny» در زبان انگلیسی وجود دارد که دارای معنای عمیقی است که بدون شک، انگلیسی‌زبانان بر خلاف ما ایرانیان، از این واژه در مورد سبز بودن یا قرمز بودن چراغ راهنمایی استفاده نمی‌کنند. بد نیست که دلیل یا دلایل این دو برخورد را مورد بحث قرار دهیم.

همان‌طور که در ابتدای مطلب خاطرنشان کردم، دلیل اصلی این دو برخورد را باید در فرهنگ خود جستجو کنیم زیرا که نگاه برخاسته از تقدیر دارای تفاوت مهم و اساسی با نگاه برخاسته از اتفاق دارد. برای باز کردن بحث باید در ابتدا نگاهی به فرهنگ خودمان بیاندازیم و آن را با فرهنگ دیگر مردمان جهان، به خصوص مردمان دنیای غرب، مقایسه نماییم. گرچه همگان مذهب را بخشی از فرهنگ به حساب می‌آورند ولی در فرهنگ ما ایرانیان، مذهب بر فرهنگ ما حالت چیرگی دارد. به عبارت دیگر ما ایرانیان دارای مذهبی «فرافرهنگی» هستیم و جوامع غربی دارای فرهنگی «فرا مذهبی». علت اصلی چنین تفاوت شگرفی را باید در ساختار جامعه بدانیم. تفاوتی که بین یک جامعه سنتی با زندگی کشاورزی است با جامعه‌ای مدرن با ساختار یک جامعه صنعتی. ساختار کشاورزی، همیشه نگاه‌ها را به طرف آسمان سوق می‌دهد و تغییرات جوی را ناخودآگاه به اراده خداوندی نسبت می‌دهد. حضور دعای باران و استغاثه به درگاه خداوند برای رفع بلایای طبیعی در جامعه‌ای با ساختار کشاورزی بسیار رایج است و نقش علم و یافته‌های علمی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند. در صورتی که در جوامع غربی، با گذر از دوره رنسانس پای علم در تمامی زمینه‌های تفکر باز می‌شود و جامعه به سرعت از مرحله زندگی کشاورزی عبور کرده و به مرحله صنعتی ارتقا می‌یابد. ورود علم برای جان بخشیدن به صنعت بالطبع نگاه جامعه را از اتکای صد در صد به آسمان به سوی زمین سوق می‌دهد.

در نگاه علمی است که واژه «اتفاق» بر واژه «تقدیر» غلبه می‌کند و در توضیح پدیده‌های حیات به کار گرفته می‌شود. ساده‌ترین مثال را باید در نحوه شکل‌گیری «حیات» بدانیم. نگاه علمی، پیدایش حیات را در نتیجه یک «اتفاق» می‌داند و توضیح می‌دهد که میلیون‌ها سال، مواد مورد نیاز تشکیل حیات در بطن اقیانوس‌ها وجود یافته و در گردش بوده‌اند ولی در یک لحظه به خصوص، به گونه‌ای ایده‌آل چنان در کنار هم قرار گرفته‌اند که اولین «دی‌ان‌ای» را تشکیل داده و منجر به پیدایش حیات شده‌اند. یا در خلقت کرات، تا مرحله «بیگ بنگ» به عقب برمی‌گردند و صد البته به دوران قبل از بیگ بنگ که می‌رسیم، به علت نداشتن دلایل کافی سکوت می‌کنند.

گروهی از ما ایرانیان بر این باورند که خداوند در آن بالا جلوس فرموده و به تمامی ارکان زندگی همه آدم‌ها ناظر است و با قدرت لایزالی که دارد، چراغ‌های راهنمایی را برای عده‌ای که خود بخواهد سبز و برای عده دیگر قرمز می‌نماید. عده‌ای را به موقع به قرار ملاقاتشان می‌رساند تا از برکات وقت شناسی به آب و نان درست و حسابی نایل آیند و عده دیگر را با قرمز نگه داشتن چراغ‌های راهنمایی پیش مقام مورد ملاقات «سکه یه پول» می‌فرماید ولی در عوض، به آن عده که زود رسیده‌اند، سنگ کلیه مرحمت می‌نماید تا فریادشان از درد به هوا بلند شود و آن آب و نان درست و حسابی که کسب کرده بودند کوفتشان بشود. درست است که چراغ‌ها را برای ما قرمز نموده‌اند و آن کار درست و حسابی را از دستمان گرفته‌اند ولی از آنجا که رحمان و رحیم هم تشریف دارند به ویروس‌های کرونا دستور فرموده‌اند تا دور و بر ما نپلکند! و الا نسلشان را با یک چشم بر هم زدن نابود می‌نماید

از نگاه علمی هم که بگذریم و به اتفاقات مهم زندگی خود نیز که بنگریم، طرفداران «تقدیر» خواست خداوند یا سرنوشت را برای اتفاقات زندگی خود و دیگران مورد استفاده قرار می‌دهند و طرفداران «اتفاق» از واژه شانس استفاده می‌کنند. جای دارد که با یک مثال خودمانی منظورم را بهتر برسانم:

فرض کنید که در یک روز به خصوص که در اثر مشغله‌های کاری به قول معروف «خسته و کوفته» به خانه آمده‌اید و خیال استراحت کامل دارید، دوستی به شما تلفن می‌کند و از شما می‌خواهد که به منزل ایشان بروید و در یک میهمانی کوچک حضور یابید. با توجه به خستگی خود هر چه سعی می‌کنید که از رفتن به منزل دوست خود طفره بروید کارساز نمی‌شود و بالاخره راضی شده و با اکراه به منزل دوستتان می‌روید و در آن میهمانی کوچک شرکت می‌نمایید. حضور شما در آن میهمانی ، شما را با شخص دیگری آشنا می‌نماید که در آینده نزدیکی می‌شود شریک دایمی زندگی شما و یا بر عکس با شخصی آشنا می‌شوید که وارد یک بده و بستان تجارتی می‌شوید که پس از مدتی تمامی زندگی شما را بر باد می‌دهد. ما ایرانیان از حالت اول با واژه «خوش شانسی» و از حالت دوم با واژه «بد شانسی» یاد می‌کنیم ولی در نگاه علمی هر دو واقعه را به حساب «اتفاق» می‌گذارد که به گونه تصادفی یکی شما را خوشبخت و دیگری باعث حرمان و پشیمانی شما می‌گردد.

با این مثال می‌توانیم نتیجه بگیریم که قرمز بودن یا سبز بودن چراغ‌های راهنمایی هر دو نه به تقدیر بلکه در نتیجه یک اتفاق صورت گرفته است. نقش علم این بوده است که متخصصان فیزیک را به ساختن چراغ‌های راهنمایی برساند. این متخصصان، تکنیسین‌هایی را تربیت کرده‌اند که بتوانند این چراغ‌ها را نصب و برنامه‌ریزی نمایند. باور بفرمایید که این تکنیسین‌ها، در برنامه‌ریزی چراغ‌ها نه من را می‌شناخته‌اند و نه شما را و نه خصومتی با من داشته‌اند و نه نسبت فامیلی با شما. برنامه‌ای بر اساس حجم ترافیک نوشته‌اند که به گونه اتفاق عمل می‌کند.

حال اگر نکته را به خلقت و هستی و خداوند ارتقا دهیم به سادگی می‌توانیم خداوند را همان متخصص اعظم بدانیم که جهان را بر اساس قوانین شگرفی خلق نموده است که این قوانین بر اثر شانس و اتفاق همواره در حال فعالیت‌اند. تعدادی از این قوانین در زمانی، شرایط به خصوصی را می‌آفرینند که نتیجه‌ای مورد طبع و نظر و خواسته ماست و زمانی هم علیه آنچه که ما خواسته‌ایم. به گمان من، هر چه بیشتر خود را با علم و پدیده‌های علمی آشناتر نماییم، توان این را می‌یابیم که مسائل را، چه کوچک و پیش پا افتاده و چه عظیم و اساسی، با دید بازتری بررسی نماییم.

در نهایت، بگذارید از واژه «سرنوشت» و یا تقدیر در مورد مسائل پیش پا افتاده استفاده نکنیم و از این واژه فقط در مواردی استفاده نماییم که انسان در به وجود آوردن آن‌ها نه نقشی دارد، و نه دارای هیچ کنترلی است. مسائلی از قبیل گردش افلاک، تغییر روز به شب و برعکس، مرگ و زندگی بیشتر مناسب واژه سرنوشت و یا تقدیرند تا سبز بودن یا نبودن چراغ‌های راهنمایی.

مرسده بصیریان حریری

آختامار

نویسنده: هما جاسمی

داستان آختامار نوشته هما جاسمی در سال ۱۳۹۹ توسط نشر نگاه وارد بازار کتاب شد و در سال ۱۴۰۰ به چاپ دوم رسید. این کتاب، اولین مجموعه داستان این نویسنده است. هما جاسمی که به زبان‌های آلمانی و انگلیسی آشنایی دارد تحصیل‌کرده رشته روانشناسی از دانشگاه تگزاس است و در حال حاضر ساکن آمریکاست.

فعالیت در زمینه‌های مختلف هنری از جمله همکاری با مرحوم دکتر جهانشاه درخشانی (ایرانشناس و تاریخ‌پژوه) به او دید مناسبی از تاریخ اقوام آریایی بخشیده است.

اجرای بیش از ۲۰۰ نقاشی از آثار باستانی (متعلق به خاورنزدیک و خاورمیانه) و انتشار آن‌ها در سه کتاب درباره اقوام آریایی به زبان‌های فارسی و آلمانی از دیگر کارهای اوست.[1]

به طور خلاصه می‌توان فعالیت‌های او را که به کتاب آختامار مربوط می‌شود این گونه فهرست کرد:

• سال ۱۳۹۳ آغاز داستان‌نویسی (شرکت در کارگاه کولی‌ها، دوره کوتاه آنلاین زیر نظر منیرو روانی‌پور)

• دریافت جوایز متعدد ادبی و چاپ آثار در ایران، آمریکا، کانادا و ارمنستان.

• سال ۱۳۹۹ انتشار اولین مجموعه داستان به نام آختامار در ایران، نشر نگاه، شانزده داستان، ۱۶۲ صفحه (چاپ دوم تیر ۱۴۰۰)

• سال ۱۴۰۰، کتاب آختامار بین ده کتاب برگزیده نهایی نخستین جایزه ادبی اصغر عبداللهی.

• سال ۱۴۰۰، ترجمه داستان "آنت و آیلین" به زبان ارمنی و انتشار در بزرگ‌ترین وبسایت ادبی ارمنستان Granish.org.

• سال ۱۴۰۰، کتاب آختامار بین هشت کتاب برگزیده نهایی نخستین جایزه ادبی ما.

• سال ۱۴۰۰، کتاب آختامار بین ۲۱ کتاب برگزیدهٔ نهایی دوره‌های بیست و یکم و بیست و دوم جایزهٔ ادبی مهرگان ادب (از میان ۱۵۲۷ عنوان رمان و مجموعه داستان).

مجموعه داستان آختامار شامل ۱۶ داستان است: «آسانسور»، «دوزندگی پاریس»، «جن‌های ته حوض»، «خانواده شورآبادی»، «کله شین»، «پدرم»، «ماتیاس»، «پانزده سالگی»، «آنت و آیلین»، «ایتالیا»، «پرده‌های اسفند»، «باران»، «پله‌های بی‌انتها»، «شهر بازی»، «خط صاف» و «آختامار».

پشت جلد کتاب نوشته شده: «مفهوم مرز گاهی ظرافتی دارد به باریکی مو و گاهی قاطعیتی همچون حکم سرنوشت. مرز رشته‌ای است که داستان‌های آختامار را به هم پیوند می‌دهد. راستی چه چیزی به مرز حق می‌دهد که مومن را از ملحد، عاشق را از معشوق و درست را از غلط جدا کند؟»

کتاب آختامار نخستین مجموعه از داستان‌های کوتاه به قلم این نویسنده است که برخی از داستان‌های آن برنده جوایز ادبی معتبری شده‌اند و مبنای گزینش آن‌ها توسط نویسنده برای چاپ در مجموعه پیش رو، همین بازخورد مثبت ادبی است که اعتبار ویژه‌ای به این داستان‌ها بخشیده است.

داستان «آختامار» که عنوان مجموعه هم از روی آن انتخاب شده، اشاره به یک افسانه عاشقانه ارمنی دارد و در کنار آن، داستان‌های "خانواده شورآبادی" و "آسانسور" که به ترتیب به مشکلات یک خانواده ایرانی و سوری در آلمان پرداخته‌اند، هر سه به زبان ارمنی ترجمه شده‌اند. داستان "آسانسور" موفق شده از بزرگ‌ترین وبسایت ادبی در کشور ارمنستان با عنوان «گرانیش» برنده جایزه شود و در ایران نیز به عنوان داستان برگزیده جایزهٔ مسابقه صادق هدایت را از آن خود نماید.

آنچه به نظرم این مجموعه داستان کوتاه را خواندنی و لذت‌بخش می‌کند توانایی نویسنده در دست‌یابی به قلمی (سبکی) بسیار ساده و روان است. در داستان‌های این مجموعه می‌بینیم که چگونه حال و گذشته به هم پیوند می‌خورند و نویسنده با تصویرسازی بسیار گیرا و جذاب ما را در زمان و مکان جابه‌جا می‌کند، بدون این که جزییات و نکات مهم از نگاه خواننده دور بمانند.

حس نوستالژی در تمام قصه‌ها وجود دارد؛ نوستالژی برای زمانی که برای برخی شخصیت‌های داستان شیرین و پر خاطره است ولی هم‌زمان برای برخی دیگر سراسر درد است و رنج. تصویرسازی‌ها در بردن خواننده به چنین جهانی کاملا موفق است و کلمات آنچنان مناسب انتخاب شده‌اند که در عین سادگی به زحمت بتوان یکی از آن‌ها را بدون آسیب رساندن به کلیت داستان برداشت یا جابه‌جا کرد.

در تک‌تک این داستان‌ها می‌بینیم که چگونه واقعیت و رویا به هم آمیخته‌اند و این شاید یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های قصه‌های هما جاسمی است که قصه‌ها را بیش از هر چیز شبیه خود زندگی می‌کند؛ اینجاست که او به عنوان نویسنده موفق می‌شود با ظرافت رنج و شادی انسان معاصر را آمیخته به هم در برابر چشمان خواننده قرار دهد و خواننده با همذات‌پنداری همراه شخصیت‌های قصه‌های او دوباره و چندباره عاشق شود، عزیز از دست بدهد و رنج دیگران را تجربه کند فارغ از هرگونه مرز و نژادی.

در داستان آسانسور می‌خوانیم:

«هفتهٔ سومی بود که فاروق آسانسورچی شده بود و من از کتاب‌فروشی برمی‌گشتم و یکی از کتاب‌ها را جلوی صورتش گرفتم و برای این که حرفم را بفهمد، با دست روی جلد کتاب زدم و گفتم: «تو چرا مدرسه نمی‌ری؟» سرش را بلند کرد و همین‌طور که نگاهم می‌کرد چشم‌های سبزش پر از اشک شدند و رنگ صورتش برگشت و در حالی که انگشت‌های کوچک دست راستش را از کف دست چپش فرو می‌کرد ، به سختی صداهایی از خودش درآورد و بعد سرش را پایین انداخت و من برق اشک‌هایش را روی کف چوبی آسانسور دیدم. تنم داغ شد. نمی‌دانستم چه کار کنم. چندک زدم و بازویش را گرفتم و به صورتش نگاه کردم و گفتم: «عیبی نداره، گریه نکن، طوری نیست، من نمی‌دونستم... معذرت می‌خوام!» اما فاروق سرش را بلند نکرد. از آسانسور پیاده شدم و او مثل همیشه پشت توری گم شد.

چند روز بعد از این ماجرا، خانم شوارتزر را در دراگ‌استور دیدم و برعکس همیشه که از دستِ پُرحرفی‌هایش فراری بودم، جلو رفتم و احوال‌پرسی کردمَ تا بتوانم درباره فاروق پرس‌وجو کنم. خانم شوارتزر به قفسه‌ای که پر از شیشه‌های ویتامین بود تکیه داد و صدایش از هیجان داستانی که می‌گفت به لرزه افتاده بود: «مگه نمی‌دونستی چی شده؟ به تو نگفته بودم؟ این بچه لال شده چون پدرشو جلوی چشاش کشتن! از امّ فاروق چند بار پرسیدم تا بالاخره یه بار که مددکاره اومده بود، واسم ترجمه کرد! گفت شبونه دو نفر میان تو خونه و شوهرش رو که توی آلپو [حلب] نظامی بوده سر می‌بُرَن. بعدم به خودش تجاوز می‌کنن. باید می‌دیدی این زن عَربه چه اشکی می‌ریخت.»

[1] Geschichte und Kultur des Alten Ostiran, 1994, International publications of Iranian Studies

Die Arier in den nahostlischen Quellen des 3. Und 2. Jahrtausends v. - Chr., 1995-1382، (دانشنامه کاشان ۳) آریاییان، مردم کاشی، اَمَرد، پارس و دیگر ایرانیان

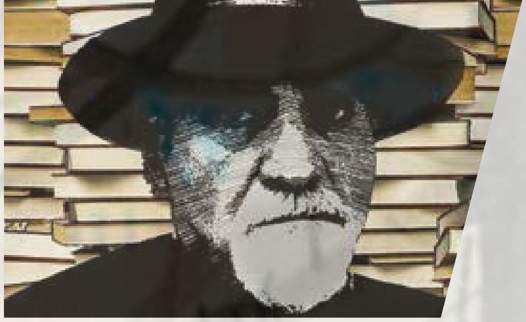

بخوان به نام گل سرخ عاشقانه بخوان

گردآوری از سپیده شاملوفرد

رضا براهنی متولد ۲۱ آذر ۱۳۱۴، در ۵ فروردین ۱۴۰۱ دار فانی را وداع گفت. او نویسنده، شاعر، منتقد ادبی و فعال سیاسی اهل ایران بود. او عضو هیئت مؤسسین کانون نویسندگان ایران و همچنین رئیس انجمن قلم کانادا بود. آثار او به زبان‌های مختلف از جمله انگلیسی، سوئدی و فرانسوی ترجمه شده است. از جمله مشهورترین آثار رضا براهنی کتاب «خطاب به پروانه‌ها و چرا من دیگر شاعر نیمایی نیستم؟» است، اثری که هم شامل برخی اشعار و هم دیدگاه‌های او در زمینه شعر می‌شود.

بیا کنارِ پنجره
زمان آن رسیده است
که دوست داشتن
صدای نغزِ عاشقانه‌ای شود
که از گلوی گرمِ تو طلوع می‌کند
بیا کنارِ پنجره
و خضرِ سبزپوش را که یک زمان
بلند و تابناک ایستاده بود در چمن
و آبشارِ سبز ریشِ او ز شیب سرخ گونه‌هاش
رسیده بود تا به زیرِ سینهٔ قدیم این جهان
و کاسه‌ای ز آبِ جاودانگی به دست داشت
به من نشان بده
بیا و قطره‌ای از آن پیاله را به حلق من فروچکان
و آفتاب را نشان بده
که می‌لمد به روی سبزه‌های گرم
نسیم را نشان بده
که می‌وزد چنان خفیف و نرم
که گوییا نمی‌وزد
مرا به خواب عشق اوّل جوانی‌ام رجوع داده‌ای
به من بگو چگونه این جهان جوان شود
بگو چگونه راز عاشقان عیان شود
عطش برای دیدن تو سوخته زبانِ من
به من بگو، عطش
چگونه بی‌زبان، بیان شود
تو مهربانِ من، بیا کنار پنجره
و پیش از آن که قد نیمه تیرسانِ من کمان شود
بهار را به من نشانَ بده
بگو که سروِ سرفرازِ ما دوباره در چمن، َچمان شود
به چهره‌ها و راه‌ها چنان نگاه می‌کنم که کور می‌شوم
چه مدّتی‌ست دلبرا، ندیده‌ام تو را؟
تو مهربانِ من، بیا کنارِ پنجره
هلالِ ابروانِ خویش را
فرازِ بدرِ چهره‌ات، برابرم نشان
که خشکسالِ شعرِ من شکفته چونَ-چنان شود
شکسته بود کلکِ من، ز یأسِ بی‌امانِ من
تو مهربان من، بیا کنار پنجره
که تا به جای آن که بوریا شود نی زمانِ من
خورَد تراش عشق، نیستانِ من
چو خامه‌ای شود که سر سپردگیش
سپرده با بَنان شود
نگاه آخرین من اگر همین روا بوَد
کهَ لحظه‌ای، برای لحظه‌ای فقط
بهار، منظر نگاه من شود
تو مهربان من، بیا کنار پنجره
بهار را به من نشان بده
و پیش از آن که شب فرا رسد
و عمر، مثل آب جاودانگی
به عمقِ آن محالِ تیرگی نهان شود

تو مهربانِ من، بیا کنار پنجره
که آفتابِ روحِ من عیان شود

(رضا براهنی)

****

ستاره مثل تو نیست تو مثل ستاره نیستی

و آسمان که شکل تو نیست و تو که شکل آسمان نیستی

غمی که از تو می‌بارد مرا می‌گدازد

بهار مثل تو نیست تو مثل بهار نیستی

زیرا تو در نسیم ایستاده‌ای و می‌سوزی

برهنه پای زیبای من که روی حصیر ایستاده خوابیده و
می‌سوزد

غمی که از تو می‌بارد مرا...

و جنگ جنگل و جادو که از تو می‌گذرد

و با نگاه تو انگشترم آتش گرفت

و هیچ چیز مثل تو نیست و هیچ آدم دیگر شبیه تو نیست

برهنه پای زیبای من که روی حصیر ایستاده خوابیده و
می‌سوزد

و زیبایی که پشت آهویی بلند ایستاده، مشتعل از مفصل
ستاره و دریا و می‌شتابد و می‌سوزد

مرا می‌گدازد غمی که از تو می‌بارد

و هیچ رویایی به شکل خواب چشم تو نیست نیست

(رضا براهنی)

****

محمدابراهیم جعفری، زاده ۱۳۱۹ و درگذشته ۱۸ فروردین ۱۳۹۷، نقاش نوگرا و شاعر معاصر، عضو رسمی هیئت علمی دانشگاه هنر تهران و انجمن هنرمندان نقاش ایران بود. وی در بینال‌های مختلف داخلی و خارجی به عنوان داور حضور فعال داشت. شعر ترانه «چو مرغ شب» از سروده‌های اوست. پدرش بازرگان و باغدار بود. محمدابراهیم، پُرشور و از کودکی به طبیعت بسیار علاقمند بود. او دبستان را در مدرسه فردوسی گذراند و در دبیرستان، رشته ادبیات خواند. در بروجرد تحت تاثیر نقاش قهوه‌خانه‌ای به نام «فانی» رو به نقاشی آورد و اولین آثار خویش را کشید. معلم هنر دبیرستان او به نام «دعوتی» مشوق و راهنمای او بود تا نقاشی را جدی‌تر پی بگیرد. از نوجوانی به شعر گفتن روی آورد و با الهام از طبیعت پیرامون خود شعر می‌گفت. سال پنجم دبیرستان به مدرسه دارالفنون تهران رفت و آنجا با مفاهیم روز ادبیات و نقاشی آشنا شد.

با تیر و کمان کودکی‌ام
در کوچه باغ‌های قدیمی
در انبوه درختان باران خورده

سینه گنجشکی را نشانه گرفته بودم
که...عاشق تو شدم
گنجشک به شانه‌ام نشست
و من...شکارچی ماهری شدم
از آن پس...هرگز به شکار پرنده‌ای نرفتم
هروقت دلتنگم
آواز می‌خوانم
پرنده می‌آید
پرنده می‌نشیند
پرنده را می‌بویم
پرنده را می‌بوسم
پرنده را رها می‌کنم
و چون شکار دیگری می‌شود...کودکی‌ام را
می‌بینم...در انبوه درختان باران خورده
با بوی کاهگل
و آواز پرنده...به خود می‌پیچد
و گریه می‌کند...ها آواز...چقدر
تو را...دوست دارم

(محمد ابراهیم جعفری)

****

امشب
صدای کبوترانم را نقاشی کردم
در دیوارهای توبه‌تو، سایه تو را شناختم
من آواز خواندم
من با دو تار پیری آواز خواندم
و
خط‌های آبی رنگ صدای زنی که دوستش
دارم
آواز خسته مرا رنگی کرد
من و تو آواز خواندیم
تا نفس مهتاب خاکستری شد
در نقاشی‌هایم صدای تو را دیدم
تمام شب مهتاب در مربع خنده‌های تو
کودکیم را نقاشی می‌کرد
کاش باران ببارد
کاش باران ببارد
بوی کاهگل
آواز پرنده را
پررنگ‌تر می‌کند...

(محمد ابراهیم جعفری)

****

احمد رضا احمدی (زاده ۳۰ اردیبهشت ۱۳۱۹ در کرمان) شاعر، نمایشنامه‌نویس و نقاش ایرانی است. احمدی در سال ۱۳۴۳ به همراه نادر ابراهیمی، اسماعیل نوری علاء، مهرداد صمدی، محمدعلی سپانلو، بهرام بیضایی، اکبر رادی، جعفر کوش‌آبادی، مریم جزایری و جمیله دبیری گروه طرفه را با هدف دفاع از هنر موج نو تأسیس کرد. انتشار دو شماره از مجله طرفه و تعدادی کتاب در زمینه شعر و داستان از فعالیت‌های این گروه بوده است.
بعضی از آثار احمدی به شرح زیر است:
روزی برای تو خواهم گفت–۱۳۸۷
چای در غروب جمعه روی میز سرد می‌شود–۱۳۸۶
ساعت ۱۰ صبح بود–۱۳۸۵
عزیز من–۱۳۸۳
یک منظومه دیرباب در برف و باران یافت شد–۱۳۸۱

مرا نام تو کفایت می‌کند

از حدس و گمان‌های تو ویران نمی‌شوم
مرا نام تو کفایت می‌کند
تا در سرما و بوران
زمان و هفته را نفی کنم
مرا
که می‌دانی
نه قایق است، نه پارو
بر تو خجسته باشد
گیلاس‌هایی را
که بر گیسوان آویخته‌ای
تو صبر داری
تا خواب من پایان پذیرد
تا به دیدار من آیی.
صبح است
سبو را از آب پر کرده‌ام
کتاب‌ها را با شراب شسته‌ام
می‌دانستم تو کتاب‌های سفید را دوست داری
و پارچه‌های آغشته به ابر را
به تو تعارف می‌کنم.
بی‌گمان
سبدهایی از ماهیان دریا را
بر دوش دارم
به کنار تو می‌آیم
نام دریا را فراموش کرده‌ام
یاد جوانی و گل‌های پامچال
مرا کفایت می‌کند
به سوی دریا می‌روم
دوباره دریا را به یاد می‌آورم
...
من راه خانه تو را گم کرده‌ام
در کنار دریا می‌مانم
سالیان است
که من قطره‌قطره
دریا را از یاد می‌برم
راستی
پارچه‌های آغشته به دریا را
در ستایش ابر
در خانه تو گم می‌کنم
راستی
خانه تو در بیداری کجاست؟

(احمدرضا احمدی)

دیگر هراس نداشتم
جهان پایان یابد
من از جهان سهمم را گرفته بودم.

(احمدرضا احمدی)

****

سیمین خلیلی معروف به سیمین بـهبهانی (زاده ۲۸ تیر ۱۳۰۶ تهران ـ درگذشته ۲۸ مرداد ۱۳۹۳ تهران)، نویسنده و غزل سرای معاصر ایرانی و از اعضای کانون نویسندگان ایران بود. سیمین بهبهانی در طول زندگی‌اش بیش از ۶۰۰ غزل سرود که در ۲۰ کتاب منتشر شده‌اند. شعرهای سیمین بهبهانی موضوعاتی از جمله عشق به وطن، زلزله، انقلاب، جنگ، فقر، تن فروشی، آزادی بیان و حقوق برابر برای زنان را در بر می‌گیرند. او به خاطر سرودن غزل فارسی در وزن‌های بی‌سابقه به «نیمای غزل» معروف است.

من سردم و سردم، تو شرر باش و بسوزان
من دردم و دردم، تو دوا باش خدا را

جان را که مه‌آلود و زمستانی و قطبی ست
با گرم‌ترین پرتو خورشید بیارا

از دیده بر آنم همه را جز تو برانم
پاکیزه کنم پیش رخت آینه‌ها را

من برکه آرام و تو پوینده نسیمی
دریاب ز من لذت تسلیم و رضا را

گر دیر و اگر زود، خوشا عشق که آمد
آمد که کند شاد و دهد شور فضا را

هر لحظه که گل بشکفد آن لحظه بهار است
فرزانه نکاهد ز خزان ارج و بها را

می‌خواهمت آن قَدْر که اندازه ندانم
پیش دو جهان عرضه توان کرد کجا را

از باده اگر مستی جاوید بخواهی
آن باده منم، جام تنم بر تو گوارا

(سیمین بهبهانی)

Nowruz at ISSD

مدرسه ایرانیان سن دیگو
Iranian School of San Diego

Nowruz at ISSD
The 33rd Annual Celebration

Preparations for the Nowruz celebration began in late January by practicing the songs and “sorood”. The Omicron variant of Covid-19 had taken over the country after the winter holidays and we didn’t know whether we would be able to have an in-person celebration or if it would be a virtual one, like the year before. We continued practicing. We were even preparing for an outdoor event. But things started to change for the better.

March 6th was the day of preparation for Nowruz. PTA members had set up several stations for the students to color their eggs and take the materials for their sabzeh.

The actual celebration was on March 13th at the auditorium of Del Norte High School. Over 320 parents, grandparents, students, and friends of school along with school staff were present. Many people, however, could not attend due to Covid restrictions.

The program started with students and the audience singing “Ey Iran”. Students' choir continued with *Alefba* and a couple of folk songs. Throughout the program, six beautiful folk dances were performed by the students of our Dance Academy, along with music recitals and poetry. In between the acts, the honor students and the Reading Olympics winners were recognized and received their awards. Every year we dedicate the Nowruz program to a person or a group of people who were instrumental in promoting the Persian language and Iranian culture in the community. This year the program was presented to Ms. Ila Darafshandar, the instructor and choreographer of our Persian dance Academy.

A beautiful Haft-seen that was prepared by Mrs. Roya Amini-khorsandian and set up in the lobby of the auditorium. Traditionally, we auction each item of Haft- seen for fundraising to help to fulfill the school’s financial obligations. From the sale of Haft-seen and the silent auction, we were able to raise over sixteen thousand dollars.

The sound for the event, as in the past, was provided by Julius Nemovi of Excellent Entertainment. The videography and photography was done by Iman Baherbakhsh of Lexur Media. The video is available on the school’s YouTube channel (iranianschoolSD).

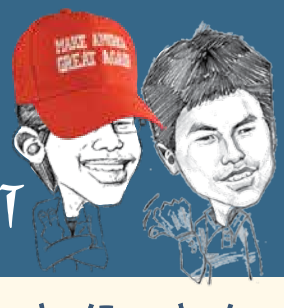

آیا همه آرا مساوی اند؟

هابیل و قابیل

خوانندگان گرامی،

همان طور که در شماره‌های قبل به آگاهی رسید این صفحه را اختصاص داده‌ایم به برخورد دیدگاه‌های دو برادر خیالی با نام‌های هابیل و قابیل. این دو برادر از نظر سنی با یکدیگر دو سال اختلاف دارند و با وجود آن که در یک خانواده و یک نوع شرایط بزرگ شده‌اند، نقطه نظرهای متفاوت و حتی مخالف یکدیگر دارند. از آن‌ها خواسته‌ایم تا در هر شماره بحثی را مطرح کنند و نقطه نظرهای خود را بگویند. ما بدون هیچ قضاوتی این دیدگاه‌ها را ارائه می کنیم و قضاوت را بر عهده شما می گذاریم. اگر خوانندگان گرامی نظری به طرفداری یا مخالفت با هر یک دارند می‌توانند نظر خود را، از طریق فرستادن ایمیل به آدرس پیک، با ما در میان بگذارند. گفتار این بار در رابطه با «آیا همه آرا مساوی‌اند» است.

هابیل: برنامه‌های نوروزی خوب برگزار شد. جاتون خیلی خالی بود. کلی برنامه بود توی شهر. از همه جورش. مردم حسابی انتقام این دو سال رو گرفتن. هرجا می‌رفتی همه ریخته بودن وسط حالا نرقص و کی برقص.

قابیل: چه خوب، پس مردم دلی از عزا درآوردن. ما باید می‌رفتیم شرق. سه سال بود فامیل‌های خانمم رو ندیده بودیم و باید حتما می‌رفتیم پیتسبورگ. اونجا زیاد خبری نبود. توی دانشگاه جشن گرفته بودن ولی ما فقط با خانواده بودیم. خیلی از شهرها هنوز انگار خجالتشون از کووید نریخته. ولی جنوب کالیفرنیا شنیدم غوغا کردن. دیدم بایدن هم سفره هفت سین چیده بود، وزیر خارجه هم که پیام نوروزی داد، که البته خیلی خوب بود.

هابیل: راستی می‌خواستم ازت بپرسم. این ایرونی‌های ترامپی از اینکه اون چارسال ترامپ اصلا ایرونی‌ها رو آدم حساب نکرد که به پیام خشک و خالی بده دلخور نشده بودن؟ حالا سفره هفت سین توی کاخ سفید پیشکش. معمولا اینا خودشون رو هم خیلی ایرونی و اهل سنت و فرهنگ ایران می‌دونن.

قابیل: دوباره شروع کردی؟! نه تا اونجایی که من می‌دونم، نه. حتما واسه‌شون مسایل مهمتری بوده. مگه من سخنگوی اونام؟ به نظر من خیلی خوبه که مسولین دولتی ایرانی‌های آمریکا رو و فرهنگ و تاریخ ایران رو می‌شناسن و پیام می‌دن. این خیلی واسه دید بقیه مردم نسبت به ایرونی‌ها موثره. البته می‌دونم که می‌خوای بگی اونایی که ضد ایرانی و ضد خارجین این چیزا رو نه می‌بینن و نه بهش اهمیت می‌دن ولی باز مثبته.

هابیل: منم موافقم. وقتی با بچه‌ها می‌بینیم که توی «تریدرجوز» تابلوی تبریک عید زدن یا توی سوپر مارکت «رالفز» سفره هفت سین چیدن، یا توی کتابخونه‌های عمومی هفت سین گذاشتن و درباره نوروز مطلب نوشتن و به مردم می‌دن، یا اینکه کانال‌های تلویزیونی درباره نوروز برنامه پخش می‌کنن، احساس غرور می‌کنم. خودم اقلا شیش دفه رفتم تریدرجوز و رالفز با بچه‌هام که بهشون پز بدم، اونام خیلی خوششون اومد. به رفیقاشونم گفتن که برن ببینن. کانتی و سیتی سن دیگو روز بیستم مارچ رو نوروز اعلام کردن و بیانیه دادن. ساختمون کانتی رو شب بیستم با نورهای پرچم ایران روشن کرده بودن. فرماندار کالیفرنیا هم پیام خیلی خوبی داد. اینا همه خیلی خوبه. نشون می‌ده که ایرونی‌ها جای خودشون رو وا کردن.

قابیل: باهات کاملا موافقم. توی همین چیزاست که همه ایرونی‌ها با هم مشترکن و هم صدا. همه ایرونی‌ها از این کارا و حرفا لذت می‌برن. چند تا از همکارای آمریکاییم که می‌دونستن من توی شهر نیستم برام تبریک تکست کردن. توی کی پی بی اس شنیده بودن یا توی فاکس یا سی بی اس. اول بار بود. بچه‌هام از همشاگردی‌های آمریکایی‌شون تکست گرفتن. می‌بینی که اینجا دیگه مساله ایرونی ترامپی و دموکرات نیس، این کارا خوبه و همه بهش افتخار می‌کنن.

هابیل: ولی هیچ وقت واسه تو و هم‌حزبی‌هات سوال پیش نمی‌آد که چرا وقتی جمهوری‌خواها سرکارن نه تنها تره هم به ریش ایرونی‌ها خورد نمی‌کنن بلکه "مُسلم بن" راه می‌اندازن و از اومدن فامیل‌هامون از ایران جلوگیری می‌کنن؟ نه، جدی می‌گم. چرا دموکراتا همیشه توی این کار پیشقدم می‌شن؟ سفره‌ها و جشن‌های نوروزی توی کاخ سفید زمان اوباما یادته؟ من جدا نمی‌فهمم. از قدیم گفتن واسه کسی بمیر که واست تب کنه. یعنی این قدر از دموکراتا متنفرین که این‌ها رو نمی‌بینین؟

قابیل: خودت بهتر می‌دونی که درسته که توی خیلی مسایل فرهنگی بین ایرونی‌ها یه هماهنگی هست ولی از نظر سیاسی مث همه مردم به طیف‌های مختلف وصلیم. سوای مسائل داخلی مث مالیات و کوچیک کردن دولت و اینکه یه عده زیادی رو دموکراتا جیره‌خور دولت کردن و این جور چیزا، سیاست خارجی هم برامون مهمه. اینکه باید با قدرت جلوی چین و روسیه وایستاد، اینکه جلوی تروریسم باید با قدرت وایساد، ومهمتر از همه اینکه در مقابل جمهوری اسلامی باید وایساد، نه اینکه باهاش مماشات کنن. اون رژیم باید عوض بشه. دموکراتا هی برجام راه می‌ندازن و با این سیاست‌ها راه فرار و راه بقای جمهوری اسلامی رو صاف می‌کنن. می‌دونم می‌خوای بگی ایرونی‌های سلطنت طلب و مجاهدین اینجورین؛ اصلا اینجوری نیست من و خیلی‌های دیگه نه سلطنت طلبیم و نه طرفدار مجاهدین ولی مخالف جمهوری اسلامی‌ایم.

هابیل: می‌فهمم چی می‌گی ولی به این سادگی‌ها نیس؛ مساله جمهوری اسلامی چه ربطی به مخالفت با واکسن و حفظ محیط زیست داره؟ به نظر من خیلی ساده ایرونی‌ها رو می‌تونی مثل بقیه مردم تقسیم کنی، همون طور که یک عده لیبرالن، یه عده پروگرسیو، یه عده هم محافظه کار و یه عده هم بی‌خیال. این‌ها هم ربط به موقعیت اجتماعی، سواد سیاسی، موقعیت طبقاتی و خیلی چیزای دیگه داره. واسه همین فقط ایرونی بودن نیس که ماها رو به هم ربط می‌ده؛ مردم، به خصوص نسل جوون به این بلوغ فکری رسیدن که اگه بخوان مثلا به یه کاندیدای ایرانی‌تبار رای بدن، خیلی عوامل دیگه واسشون مهم‌تره تا این که صرفا طرف ایرانی تبار باشه. البته این خیلی خوبه که همه ایرونی‌ها سر برنامه‌های فرهنگی متحد می‌شن و همدیگه رو پشتیبانی می‌کنن ولی سر مسایل سیاسی می‌تونن کاملا مخالف و ضد هم باشن. توی خود ایران هم همینطوریه یا شاید خیلی بدتر. چون اونجا جمهوری اسلامی و طرفداراش رو هم داری. ولی خب اینجا توی غربت در این ایام مردم دور نوروز با هم جمع می‌شن و اختلافات رو موقتا می‌ذارن کنار. من امیدم اینه که این وجوه اشتراک باعث بشه که وجوه اختلاف به بحث گذاشته بشه. شاید به فَرَجی بشه.

> سی و هشت میلیون نفر از مردم آمریکا توی پونزده ایالت هستن یعنی ۳۰ تا سناتور دارن ولی کالیفرنیا با ۴۰ میلیون جمعیت دو تا سناتور داره. بنابر این می‌بینی که همه رای‌ها مساوی نیستن. اگه به همین ترتیب پیش بره تا سال ۲۰۴۰ ، سی درصد مردم هفتاد تا سناتور دارن و هفتاد درصد مردم سی تا.

قابیل: آره آرزو بر جوانان عیب نیست! ولی مطلبی که می‌گی تا حدودی درسته. یعنی همه‌اش سر مسایل ایران نیست که ایرونیا به دو تا کمپ و در واقع سه تا کمپ کشیده شدن. که تقریبا آینه همه جامعه‌ست. کمپ سوم به قول تو بی‌خیال‌ها و کسانی هستند که درگیر مسایل سیاسی نیستن. البته شماها که نباید گلایه‌ای داشته باشید، الان دموکراتا نه تنها توی شهر وکانتی بلکه ایالت و فرمانداری، همه رو قبضه کردن. مائیم که در اقلیت مطلق هستیم و صدایی نداریم. اگه یادت باشه موقعی که اومدیم آمریکا اوضاع برعکس بود شهردار، شورای شهر، شورای کانتی و دولت ایالتی همه دست جمهوری‌خواها بود. ایرونی‌هام اکثرا جمهوری‌خواه بودن. همه تازه داشتن جای پاشون رو سفت می‌کردن ولی توی این بیست سال همه چیز عوض شده. حالت خوبی نداره وقتی می‌بینی که رایت اثری توی اوضاع نداره.

هابیل: خُبه دیگه حالا نمی‌خواد ننه من غریبم بازی دربیاری! چرا اینو نمی‌گی که سیستم سیاسی این کشور کاملا به نفع شماهاس: ممکنه توی کالیفرنیا و نیویورک و شهرهای پرجمعیت دمکراتا نفوذ زیادی داشته باشن ولی بقیه کشور دست همفکرای توئه. می‌گم سیستم به نفع شماهاست به این خاطره که مثلا سی

و هشت میلیون نفر از مردم آمریکا توی پونزده ایالت هستن یعنی ۳۰ تا سناتور دارن ولی کالیفرنیا با ۴۰ میلیون جمعیت دو تا سناتور داره. بنابر این می‌بینی که همه رای‌ها مساوی نیستن. اگه به همین ترتیب پیش بره تا سال ۲۰۴۰ ، سی درصد مردم هفتاد تا سناتور دارن و هفتاد درصد مردم سی تا. و این اکثریت،کشور را به قهقرا می‌برن. یک سری قوانین باید عوض بشه که رای اکثریت مردم حاکم باشه. از جمله چیزایی که باید عوض بشه که کشور نجات پیدا کنه، لغو سناست. سنا در این دوره و زمونه نقشش کاملا مخربه. اگه مردم نماینده‌های خودشونو واسه هاوس انتخاب می‌کنن پس سنا دیگه چه صیغه‌ایه؟

قابیل: زیاد تند نرو وجود سنا لازمه که همه مردم ایالت‌ها صدا داشته باشن. اگه این جوری که تو می‌گی بشه دیگه مردم وایومینگ و آیداهو و داکوتاها همه باید تابع اکثریت لیبرال بشن. الان این ایالت‌هایی که گفتم با تعداد جمعیتشون یکی یا دو تا نماینده توی هاوس دارن ولی دو تا سناتور توی سنا، که با دوتا سناتور کالیفرنیا یک وزن دارن.

هابیل: خب این به نظر تو درسته که اقلیت حاکم بر اکثریت باشه؟ و جلوی همه قوانین مترقی و مردمی رو بگیره و دربست در اختیار مذهبی‌های افراطی و ضد علم و ضد حفظ محیط زیست و بقیه قضایا باشن؟ تازه به اینجا ختم نمی‌شه. سوپریم کورت یه نمونه دیگه عصر حجریه که به هیچ وجه جامعه آمریکا رو نمایندگی نمی‌کنه. تازه مادام العمر هم هستند و هیچ ارگانی هم روشون نظارت نداره. الکترال کالج یه افتضاح دیگه اس. شاید بزرگتر از همه خود قانون اساسیه که واسه آمریکای ۲۵۰ سال پیش نوشته شده که خیلی هم واسه اون زمان مترقی بوده ولی دنیا خیلی عوض شده. این دید گاه هم غالبه که قانون اساسی آیه مُنزله و غیر قابل تغییر. واسه تغییر هر چیزش رای دوسوم مردم رو لازم داره، که یعنی بی خیال! با وجود این‌ها آدم می‌تونه خیلی زود نااٍمید بشه. چون می‌بینه که کشور در یک سرازیری بی‌برگشت می‌افته. من جداً معتقدم که راهی که همفکرهای تو واسه این مملکت پیش گرفتن سرانجام خوبی نداره. مشکلات مملکت الان ابورشن یا انکار علم و دانش و تدریس این کتاب و اون کتاب در مدارس و این حرف‌ها نیس. مشکلات، اختلاف طبقاتی وحشتناک، نابودی محیط زیست، نظامی‌گری، و احتمال عملی جنگ اتمیه. متاسفانه تا وقتی که ترامپ در رهبری حزب شما قرار داره من امیدی ندارم و شک ندارم که در طرف تاریک تاریخ قرار دارید.

قابیل: حالا زیاد احساساتی نشو! با این طرز تفکر صدتا عید هم بیاد و بره نمی‌تونی با طرف مقابلت کنار بیایی. بارها بهت گفتم که این سیستم اونقدر محکم ساخته شده که با این فرد و اون فرد به هم نمی‌خوره. دیدی که چهار سال هم ترامپ سر قدرت بود و وقتی هم رفت سیستم به کار خودش ادامه داد. من به ناامیدی تو نیستم؛ من فکر می‌کنم سیستم خودش رو از این کوره‌راه‌ها بیرون می‌کشه این کشور خیلی جوونه و بی‌خود نیس که تنها ابر قدرت دنیاست و اولین اقتصاد دنیا رو داره؛ واسه همینه که مردم همه جای دنیا سر و دس می‌شکونن که بیان اینجا و در این خوشبختی سهیم بشن.

BIJAN EFTEKARI
Real Estate Specialist
BRE #01873556
CELL: 760-420-6987
بیژن افتخاری
خرید، فروش یا وام منزل خود را با کسی
شروع کنید که امتحان خود را پس داده باشد
OFFICES IN SAN DIEGO,
IRVINE & BEVERLY HILLS.
PREMIER REALTY ASSOCIATES
WWW.ROYALHOUS.COM
760-420-6987
PREMIER REALTY ASSOCIATES
Experienced Real Estate Professionals

Taraneh Naraghi
Affordable and Professional Consulting
Document Preparation & Paralegal Services
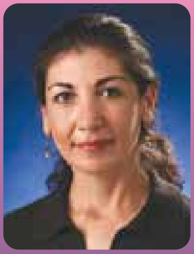
Family &
Immigration laws
امور خانوادگی و مهاجرت
ترانه نراقی
One and Only Persian Certified Paralegal/Legal Assistant
with 15 years of experience in Family and
Immigration Laws in California
Free 15 minute consultation/ installment payments available
(858) 205-7025 • (818) 309-0395
National Certified Legal Assistant
e-mail: taranehnaraghi@yahoo.com
San Diego, California, USA
Make the rest of your life the Best of Your life

Agent CA DRE# 01799474
Broker CA DRE 00616212

COLDWELL BANKER
REALTY

صداقت حرف اول کار ماست

متخصص در خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری

Khalaf Ghayyem

- سرمایه‌گذاری
- منازل مسکونی
- آپارتمان‌های مسکونی

Call today for your free property valuation, and home buying or selling consultation.

Looking to sell fast and for top dollar?
Expose your property to a more qualified buyer faster.

☑ Single-family ☑ Multi-family
☑ Investment ☑ First Time Buyer

Why Hire Us?

Qualified • Trustworthy • Reliable • Hard workers • Friendly attitudes

See what my past clients are saying about their experience working with me:
www.zillow/profile/khalaf • 5555khalaf@gmail.com

همایش سالانه بنیاد زنان ایرانی-آمریکائی

پریسا امینی

بنیاد زنان ایرانی-آمریکائی همایش سالانه خود را بعد از دو سال وقفه، به صورت حضوری در ششم مارس برگزار نمود. در این گردهمایی علاوه بر برنامه‌های سرگرم کننده، نمایش مد و پذیرائی، امکاناتی پیش‌بینی شده بود تا زنان موفق در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و... سخنرانی کرده و با مهمانان به تبادل اطلاعات بپردازند تا بدین وسیله تجربیات خود را به نسل جوان جامعه ایرانیان منتقل کنند.

در افتتاحیه مراسم میز گرد در مورد زنانی بود که در زمینه‌های مختلف ورزشی افتخاراتی نصیب خود و کشورشان کرده‌اند. قهرمانانی که برای پیشرفت و موفقیت علاوه بر تلاش و پشتکار، باید با کوهی از مشکلات و تبعیض‌های فراوانی که در سر راهشان وجود داشته، دست و پنجه نرم می‌کردند.

در بخش اول برنامه‌ها، سه نشست مختلف در جریان بود :

- در اتاق اول به مسائل جوانان و هویت فرهنگی آنان در جامعه توسط متخصصین روانشناسی و تحت نظر خانم دکتر فرنودی پرداخته شد.

- همزمان در اتاق دوم سمیرا داریوش نیا و مریم دلیلی به مسائل مرتبط با سلامت روحی، روانی و فیزیکی بدن انسان پرداختند.

- در سومین اتاق سخنرانان تجربیات خود برای رسیدن به عدالت و برابری تحت قوانین کشور میزبان را بیان کردند.

سپس خانم نینا انصاری در یک گردهمائی، کتاب جدید خود «Anonymous is a Woman» را معرفی کردند و به سؤالات مدعوین پاسخ دادند.

در نیمه دوم برنامه سه جلسه جداگانه همزمان ادامه داشت:

- در اتاق اول صحبت از رهبری و موفقیت در کار بود، و این که چگونه ضمن حرکت به سوی مقصد، اطرافیان و همکاران خود را نیز ارتقاء دهیم.

- در اتاق شماره دو راه‌های رسیدن به یک رابطه خانوادگی صمیمی و سالم، توسط یک جوان، یک سرپرست و یک روان‌درمان‌گر تشریح شد.

- در اتاق بعدی سه سخنران، داستان مقاومت و پایداری خود را برای رسیدن به اهدافشان بیان نمودند. در این زمینه هم زنان برای رسیدن به موفقیت، نیاز به مبارزه و ایستادگی کامل در مقابل تبعیض‌ها و نابرابری‌های موجود مورد تاکید قرار گرفت.

پایان بخش مراسم تشکر و قدردانی از دست‌اندرکاران و توزیع جوایز همراه با پخش موزیک ونمایش مد توسط طراحان مقیم ایران برگزار شد.

C2 FINANCIAL CORPORATION
NMLS: 135622 • DRE: 01821025

فرشته زارع
مشاور وام
با بیشتر از ۲۰ سال تجربه در سن دیگو
Fereshteh Zare
Senior Mortgage Loan Officer

619-889-3293
NMLS: 989209
DRE: 010979985

قصیدهٔ گاو سفید

کاری از بهتاش صناعی‌ها و مریم مقدم

مینا زنی در آستانه چهل سالگی است که شوهرش به اتهام قتل عمد قصاص شده است. زندگی او پس از مرگ همسرش سخت و طاقت فرسا است. از یک سو او سرپرستی دخترش را بر عهده دارد و از سوی دیگر او در مقابل خانواده شوهرش که اصرار دارند او با برادر همسرش ازدواج کند، مقاومت می‌کند. نقطه عطف داستان زمانی است که مینا از طریق دادگاه مطلع می‌شود که اعدام اشتباهاً صورت گرفته است و حالا مینا پیگیر قاضی پرونده است که حکم را به اشتباه صادر کرده. داستان فیلم بسیار قابل توجه است چرا که نه تنها یک داستان بسیار غمگین را روایت می‌کند که در پی آن به اختلالات سیستم قضایی اشاره دارد، بلکه در پس‌زمینه فیلم یک قصه تاثیرگذار دیگر در حال شکل‌گیری است: دلبستگی تدریجی مینا به رضا (قاضی پرونده). رضا که متوجه می‌شود حکم اعدام شخص بی‌گناهی را صادر کرده دچار تشویش درونی می‌شود و به صورت ناشناس وارد زندگی مینا و دخترش می‌شود. به آن‌ها در گذران زندگی کمک می‌کند و رابطه‌ای که با نگاه جبران مافات آغاز شده بود وارد فضای احساسی می‌شود و در نهایت رضا کار خود را از دست می‌دهد.

از محاسن فیلم، به تصویر کشیدن زنی مقتدر است که مسیر داستان را هدایت می‌کند. در ابتدا ما با زنی مواجه هستیم که به شدت غمگینِ اعدام شوهرش است، بسیار کار می‌کند، خسته است و از همه مهم‌تر خیلیِ تنها است. اما به تدریج این تصویر از زن ایرانی که تا آخر عمر باید داغدار شوهرش باشد و محکوم به شنیدن طعنه‌های افرادی که هیچ درکی از زن بودن ندارند، از بین می‌رود. با ورود رضا به داستان، مینا رفته‌رفته تغییر می‌کند. او در ابتدا کمی می‌ترسد اما کم‌کم یادمی‌گیرد که چطور در تنهایی‌اش از زندگی لذت ببرد. تازه اینجاست که به خودش می‌آید و می‌بیند که می‌تواند کاری را که دوست دارد انجام دهد. او رضا را انتخاب می‌کند و بدون ترس از قضاوت دیگران به او دل می‌بندد. مینا در سکانسی، هنگامی که در مقابل آینه نشسته است و آرایش می‌کند، روسری خود را از سر برمی‌دارد و به منظور همخوابی با رضا وارد اتاق او می‌شود. بدین شکل او تابوی یک زن ایرانی که همواره باید در چارچوب قانون و جامعه حرکت کند را می‌شکند. مینا تصویر زنی است کنشگر و آگاه به مناسبت حاکم بر جامعه و به عنوان یک زن پیشرو راهی را انتخاب می‌کند که خواسته خود اوست. به همان اندازه که قصه دلبستگی مینا به قاضی مهم است، به همان اندازه هم در اجرایش کوتاهی شده است. متاسفانه سازندگان فیلم زمان کافی را برای خلق این رابطه نگذاشته‌اند. فرایند وابستگی و عشق، منطق و زمان می‌خواهد. مثلا این که در ابتدای این آشنایی مینا از رضا (قاضی) می‌خواهد که همراه او و دختر لال‌اش (که کر و لال بودن دختر مینا نیز مقداری سانتیمانتال است) به سینما برود، کمی غیرمنطقی است. درست است که رضا خود را دوست شوهر مینا معرفی کرده است، اما این اطمینان کمی زودهنگام است.

روشن شدن تدریجی گره‌های فیلم فضای کلی داستان را جذاب کرده است. فیلم خشت به خشت جلو می‌رود و زندگی شخصیت‌ها را با ظرافت به نمایش می‌گذارد. البته بعضی از شخصیت‌ها زیادی هستند و بدون بودن آن‌ها فیلم می‌توانست به روایت خود ادامه دهد. به عنوان مثال، حضور پسر قاضی به عنوان یک فرد معترض کمی توی ذوق می‌زند. اختلاف او با پدرش قابل درک و بررسی است اما در نیمه دوم فیلم که ناگهان می‌میرد، شک عظیمی به فیلم وارد و آن را از مسیر اصلی خود خارج می‌کند. این پایان غمناک برای پسر قاضی مقداری فیلم را به سوی ملودرام پیش می‌برد، در صورتی که خود قاضی از ابتدای فیلم با احساس گناهی مداوم و تمام نشدنی دست و پنجه نرم می‌کند و نیازی به عنصری دیگر برای رنج او نیست. همسایه جدید مینا نیز شخصیتی است که به داستان کمک چندانی نمی‌کند و نشان دادن او که با صدای بلند موسیقی گوش می‌کند و یک سگ دارد اطلاعاتی زیاد از حد است. این جزییات فیلم را در بعضی نقاط شعارگونه و نمادگرا می‌کنند.

فیلم از نظر جلوه‌های بَصری موفق است. یکی از سکانس‌های خوب زمانی است که رضا خانه‌ای برای مینا و دخترش اجاره می‌کند. کسانی در خانه مشغول تمیز کردن خانه هستند. فردی از رضا می‌خواهد که از روی صندلی بلند شود تا آن شخص زمین را بشوید. رضا بلند نمی‌شود و آن شخص سطل آب را روی زمین می‌ریزد. تصویر رضای دردمند و ناامید، در حالی که در وسط اتاق گرفتار شده است و آبی که زیر پاهای او در جریان است، استیصال و تنهایی او را برای مخاطب ملموس می‌کند. در این داستان هرچه مینا پرشور و بانشاط‌تر می‌شود، رضا متزلزل و ضعیف‌تر می‌شود. حرکت دوربین و بازی‌ها به خوبی این احساسات متضاد را به بیننده منتقل می‌کنند. قصیده گاو سفید فیلمی است که ذهن مخاطب را فراتر از اتفاقات سیستم قضایی و مساله اعدام می‌برد. ما با یک ایدئولوژی جنسیتی با تصویری واقعی از یک زن مواجه هستیم که از قید و بندهای تحمیلی و اجباری دنیای اطرافش به دور است و همین قدمی رو به جلو در سینمای ایران است.

جدول ۱۹۸

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
			■												۱
				■							■				۲
					■							■			۳
								■							۴
			■				■			■					۵
		■				■					■				۶
	■				■							■			۷
■					■				■					■	۸
		■							■				■		۹
			■					■				■			۱۰
				■			■				■				۱۱
						■									۱۲
		■							■						۱۳
			■							■					۱۴
											■				۱۵

لطفا نظرها، پیشنهادها و انتقادهای خود را با ما در میان بگذارید

PLEASE WRITE TO US

We welcome your suggestions and opinions.

www.pccsd.org
Email: pcc@pccsd.org
Call: 858.552.9355
www.peykmagazine.com

افقی

۱ـ قسمتی از مغز که کنترل اعمال حیاتی بدن را دارد ـ مقام ۲ـ ثروت و دارایی ـ غنی‌ترین منبع فکر و روح آدمی ـ رهاورد زمستان ۳ـ همان بس است ـ نامی دیگر برای رنگ زرد روشن ـ بنای نو ۴ـ غیر واقعی ـ ثبات و پایداری ۵ـ از توابع «فلاورجان» ـ سقف دهان ـ جایز و سزاوار ـ شبانگاه ۶ ـ ضربه با پا ـ بخت و اقبال ـ راز و سر ـ بدن ۷ـ حرف دهان کجی ـ بی‌تعادل شدن ـ مزه حقیقت ۸ـ بیماری واگیردار فصل سرما ـ صدا ـ محافظین ویژه ۹ـ مهاجرت دسته‌جمعی ـ ورزش گروهی با توپ بیضی ـ گونه برجسته ۱۰ـ مایه حیات ـ از اشکال هندسی ـ رنگی که از نبود همه رنگ‌ها زاده می‌شود ـ یکی از والدین ۱۱ـ یاد گرفتنی دانش آموز ـ بندگاه ساعد و بازو ـ یکی از دو جنس ـ مقصود و منظور ۱۲ـ ناهماهنگ ـ نیرومند و قوی ۱۳ـ فاصله افتادن و دوری ـ امیدوار به آینده ـ دریوزه‌گری و گدایی ۱۴ـ یواش خودمانی ـ گردهمایی سیاسی ـ لک‌لک صیادش است ۱۵ـ شهری در استان اردبیل ـ از ادوار تاریخ نجوم.

عمودی

۱ـ نوعی بیماری خونی ارثی ناشی از کمبود عامل انعقاد خون ـ از مواد اولیه میرزاقاسمی ۲ـ ناامید کننده ـ اخوت ۳ـ روی رودخانه هم می‌زنند ـ شیر بیشه ـ حشره‌ای انگلی ـیکی از وسایل تهیه چای ۴ـ ار واحدهای وزن ـ شهر انار ـ گروه ورزشی ۵ـ پاکیزه و مطهر ـ پرخوری ۶ـ خاطر جمعی و آسودگی خیال ـ مخفف من را ـ گاه از ماست می‌کشند! ۷ـ عشق انگلیسی ـ آب آلوده و متعفن ـ زیر فرمان و قدرت خود گرفتن ۸ـ دردناک ـ مجموعه‌ای از ظروف ـ برای چهارشنبه سوری لازم است ۹ـ ملاک و وسیله سنجش ـ تو گوش خر می‌خوانند ـ خوش لباس و آراسته ۱۰ـ کلام تعجب ـ شهری در استان مازندران ـ وسایل و اسباب سفر ۱۱ـ زندان ـ ریگ کوچک ۱۲ـ عزاداری ـ صفتی برای آب گوارا ـ نهی از زدن ۱۳ـ از صدای بلند می‌توان گرفت ـ حیوان بارکش ـ موجود زیبای افسانه‌ای ـ ضمیر من و تو ۱۴ـ تمرین و تکرار کاری ـ عشاق ۱۵ـ شلاق ـ هتاکی.

حل جدول ۱۹۷

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
ل	ی	ه	د	ل	ا	ن	و	ر	■	ب	ا	ل	ا	ت	۱
ه	ک	ی	■	ب	ی	م	ا	■	س	ر	م	■	ر	خ	۲
س	■	و	ک	ا	ل	■	ل	ش	ر	ه	■	ت	س	ت	۳
ت	ق	■	ر	د	■	ن	ی	ع	م	■	ل	ا	ل	ج	۴
ا	ر	■	ی	ه	ا	م	■	ل	ا	ب	و	■	ا	م	۵
ن	ا	ت	م	■	ی	ر	ی	ه	■	ه	د	ی	ن	ش	۶
■	و	ن	ی	م	■	و	ا	■	ر	ی	ه	ک	■	ی	۷
ا	ل	ب	■	م	ی	د	ن	ن	ب	ا	■	د	ا	د	۸
ی	■	و	ک	ل	د	■	س	ه	■	د	ج	ا	م	■	۹
ن	ب	ر	ا	ک	■	ی	ن	ا	م	■	ا	م	و	د	۱۰
د	ل	■	ش	ت	ر	ا	■	ن	و	ر	■	■	ز	و	۱۱
ی	ا	د	ف	■	ه	و	ه	ی	■	ه	ر	ا	ش	ا	۱۲
ا	ر	د	■	ا	ی	ر	ا	■	ی	ن	د	م	■	گ	۱۳
ن	و	■	ل	خ	ن	■	م	ل	س	م	■	ی	پ	ل	۱۴
ا	س	ر	ا	ن	■	ق	ش	ع	ر	ا	گ	د	ا	ی	۱۵

با ما به نشانی زیر مکاتبه فرمایید.

6790 Top Gun St. #7، San Diego، CA 92121
Tel (858) 552 9355 • Fax (619) 374 7335
Email: pcc@pccsd.org

کانون فرهنگی ایرانیان برای جلوگیری از هرگونه سوء تفاهم، فقط به انتشار اخباری برای نشریه آینده (شماره ۲۰۰) مبادرت می‌ورزد که متن آن از طریق فکس یا ایمیل تا ۳۱ می به وسیله ارگانهای غیرانتفاعی در اختیار این دفتر قرار بگیرد.

پیک نشریه کانون فرهنگی ایرانیان است و هر دوماه یکبار منتشر می‌شود. نظرات مطرح شده در مقالات الزاما نظر هیات مدیره کانون نبوده و مسولیت آن به عهده نویسنده آن است.

پیک در رد و قبول، یا حک و اصلاح مطالب وارده آزاد است.

PEDIATRIC DENTISTRY
ROSE DENTAL GROUP

خدمات دندانپزشکی خود را به ما بسپارید

• دکتر کودکان و بزرگسالان
• قبول انواع بیمه و مدیکل

www.RoseDentalGroups.com

دکتر مهتاب سعادتمندی

Dr. Mahtab Saadatmandi, DMD

- Diet analysis and Oral Hygiene
- Instructions for all ages
- 1st Dental visit at age one
- Fluoride Protection
- Nitrous Oxide (Laughing Gas)
- Oral Sedation
- General Anesthesia in office with board certified doctor
- Use of different methods for un-cooperative or anxious children

430 N. Rose Street, Escondido, CA 92027

(760) 741-1690

تالار رستوران صوفی باگنجایش ۳۰۰ نفرآماده پذیرایی جهت
جشنها، مهمانی ها و مراسم ویژه شما عزیزان میباشد
CATERING FOR ALL OCCASIONS
858.278.7770
صوفی
SUFI
MEDITERRANEAN CUISINE
www.SufiSD.com
5915 Balboa Ave., San Diego, CA 92111
Fax: 858.277.3077
email: info@sufisd.com
Join us on FaceBook at
Sufi Club San Diego

BALBOA TRADITIONAL BAKERY
Whole Wheat Barbari
Sangak Bread
Tanoor Bread
Sweet Rusk Bread
Sheermal Bread
Raisins Bread
BALBOA
International Market
بلبوا اینترنشنال مارکت
بزرگترین و متنوع ترین فروشگاه ایرانی
سبزیجات و میوه های تازه با قیمت مناسب
گوشت و مرغ حلال و لبنیات تازه
لوازم خانگی
نان داغ، کباب داغ
کباب کوبیده
جوجه کباب
کباب بره
خورشت های خانگی
حلیم و آش گرم
کله و پاچه
انواع ساندویچ های
خوشمزه ایرانی
858-277-3600
5905 Balboa Ave
San Diego, CA 92111
858-277-3077 (fax)
Visit our weekly ad at
www.balboamarket.com
EBT

San Diego
نمایش پازل
PUZZLE
Ehsan Karami
Borzou Arjmand
کاری از:
برزو ارجمند و احسان کرمی
Saturday May 7, at 7:30 PM
Schulman Auditorium
Carlsbad City Library, 1775 Dove Lane, Carlsbad, CA 92011
RAD ART PRODUCTION

حذف هزینه برق از مخارج سالیانه شما
COSMIC SOLAR
Your Local Solar Experts!
System Designed By Masters of Engineering
با مدیریت ایرانی و پانزده سال سابقه درخشان
مشاوره، مهندسی و اجرای پیشرفته ترین سیستم های متکی به انرژی خورشیدی
منازل مسکونی و مجتمع های تجاری
۳۰ درصد معافیت مالیاتی
وام های آسان ۲۰ ساله بدون پیش پرداخت
اجاره سیستم با پرداخت ثابت بیست ساله
برای مشاوره رایگان با ما تماس بگیرید.
تخفیف ویژه برای خوانندگان پیک
تماس با ما:
Solar Energy Consultant
Cosmic Solar, Inc.
760-617-1710 Cell
760-749-1111 Office
Ken@cosmicsolar.com
www.cosmicsolar.com
100% Customer Satisfaction!
Licence # 831831
C-10 & C-46 Solar

BONDED
BEWARE
UNLICENSED CONTRACTORS
مالک فرزند ارمنی تهران است :
Next, call us:
855 - 700 - 2433
100%
GUARANTEED
ORPHAN CARE FOUNDATION
BBB
Or book us:
Pandawhite.com
3 Years, or 4 Years No Interest, or LOW MONTHLY PAYMENTS!
- Ext. PAINTING
- WINDOWS
- DOORS
- ROOFS
- Attics
PandaWhite builders
BREATHE
DEFEND
SEAL
COMFORT
All Roofings
Estimates are free & are good for 12 to 18 months!
When you decide, pay us when 100% satisfied.

We help
your credit grow
efficiently.
DEBT SETTLEMENT
حل و فصل مشکلات پرداخت وام
های دریافتی شخصی و دانشجویی
با بهترین راه حل ممکن
STOP PAYING HIGH SECURITY DEPOSITS
GET A HIGHER CREDIT LIMIT
GET A LOWER INTEREST RATE
BUY A NEW HOUSE
GET A JOB
CREDIT REPAIR
ترمیم و تصحیح کردیت با تیمی
مجرب و سابقه ای درخشان در سریع
BUSINESS CREDIT
پایه گذاری کردیت بیزنس بطور کاملا
مجزا از کردیت شخصی و با لاین کردیتی
(800) 344 2254
www.EnrichFin.com
Irvine, Tarzana, Glendale, Los Angeles, San Jose
CREDIT REPAIR
SPECIALIST
CREDIT SCORE
POOR
GOOD

قوی ترین کادر مجرب تصحیح وترمیم کردیت ایرانیان

THE MOST POWERFUL & EXPERIENCED TEAM

انریچ فایننشال
خدمات و انتخابی متفاوت

(800) - EGHBALI (800) - 344 2254